

اثربخشی برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق بر مشکلات برونی‌سازی و درونی‌سازی شده کودکان طلاق

Effectiveness of Children of Divorce Intervention Program (CODIP) on externalized and internalized problems in children of divorce

Seyede Atefeh Hoseini Yazdi

Clinical Psychology

Ali Mashhadi &

Seyed Ali Kimiaee

Ferdowsi University of Mashhad

Zahra Asemi

General Psychology

سیده عاطفه حسینی یزدی

روانشناسی بالینی

علی مشهدی*

سید علی کیمیایی

دانشگاه فردوسی مشهد

زهرا عاصمی

روانشناسی عمومی

چکیده: طلاق یکی از استرس‌زاترین رویدادهای زندگی برای والدین و کودکان است. طلاق والدین مشتمل بر مجموعه وسیعی از تغییرات و سازماندهی‌های مجدد خانواده است که در طول زمان بر سازگاری کودک تأثیر می‌گذارد. پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق (CODIP) بر کاهش مشکلات درونی‌سازی و برونی‌سازی شده این کودکان انجام شد. در این پژوهش آزمایشی که از نوع پیش‌آزمون- پس‌آزمون با گروه کنترل بود، تعداد ۲۵ کودک (۱۳ نفر گروه آزمایش، ۱۲ نفر گروه کنترل) ۱۰ تا ۱۲ ساله از خانواده‌های طلاق شهرستان کاشمر شرکت کردند. برای گروه آزمایش ۱۵ جلسه برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق طی ۵ هفته متوالی و سه روز در هفته برگزار شد و گروه کنترل مداخله‌ای دریافت نکردند. ابزار پژوهش پرسشنامه فهرست رفتاری کودکان (CBCL) بود. نتایج پژوهش نشان داد که برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق تأثیری معنادار بر کاهش مشکلات برونی‌سازی شده کودکان طلاق داشت؛ اما بر کاهش مشکلات درونی‌سازی شده آنها تأثیر معناداری نداشت. از آنجایی که کودکان طلاق همواره در معرض خطر مشکلات رفتاری بیشتری هستند، بنابراین توجه به مداخلات گروهی و آموزش مهارت‌های حل مسأله، در چگونگی برخورد کودکان با پدیده طلاق و توانمندسازی آنها در برابر چالش‌های زندگی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. مهارت‌های آموزش داده شده در جلسات، علاوه بر کاهش برخی مشکلات رفتاری، به‌گونه‌ای است که کودکان و والدین آنها می‌توانند به‌راحتی آنها را در موقعیت‌های زندگی واقعی اجرا کنند و از اثرات مثبت آن سود ببرند.
واژه‌های کلیدی: برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق، طلاق، مشکل درونی‌سازی شده، مشکل برونی‌سازی شده

Abstract: Divorce is one of the most stressful events in children and parents' life. Divorce is a major change and reorganization of life that influences children's adjustment over time. The aim of the present study was to investigate the effects of Children of Divorce Intervention Program (CODIP) on decreasing internalized and externalized problems in children. In this experimental research, with pre-test post-tests with control group, twenty five 10-12 years old children from divorced families in Kashmar were selected as sample. For 13 children in experimental group 15 sessions of CODIP was administrated in 3 days per week and 5 consecutive weeks, but 12 children in control group received no program. Child Behavior Checklist (CBCL) was the research measurement tool. Results showed that CODIP has significant effect on decreasing externalized problems; but no significant effect on internalized problems in children from divorced families. Since children of divorced parents are more at risk of behavior problems, attention to group programs and teaching problem solving skills is important for this children and empowering them in life. In addition to reducing some problems, the skills that were taught are in such a way children and their parents can easily implement them in the real life and benefit from their positive effects.

Keywords: Children of Divorce Intervention Program, divorce, internalized problem, externalized problem

مقدمه

خانواده اولین هسته اجتماع و اساسی‌ترین بنیان جامعه است که نقش مهمی در بهداشت روانی فرزندان و اعضای جامعه دارد. با این وجود امروزه خانواده‌ها در هر جامعه‌ای دچار آسیب‌های متعددی می‌شوند که یکی از آنها طلاق^۱ است. طلاق والدین یکی از عمده‌ترین رویدادهای استرس‌زایی است که کودکان و نوجوانان با آن مواجه می‌شوند و اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت اقتصادی، اجتماعی، عاطفی و هیجانی در بزرگسالان و کودکان بر جای می‌گذارد. در این میان، کودکان طلاق به خاطر سن پایین‌تر و مهارت‌های ناکارآمد، بیشترین آسیب را متحمل می‌شوند (فاگان و چرچیل، ۲۰۱۲؛ لاک گرینوود، ۲۰۱۴؛ هالیگان، چنگ و نوکس، ۲۰۱۴؛ ویور و اسکافیلد، ۲۰۱۵).

طلاق والدین مجموعه وسیعی از تغییرات و سازماندهی‌های مجدد را در خانواده ایجاد می‌کند که در طول زمان بر سازگاری^۲ کودک تاثیر می‌گذارند. این تغییرات شامل تغییر محل سکونت، روابط خانوادگی و استانداردهای زندگی می‌شود که نه تنها سازگاری زوجین بلکه تعادل روانی فرزندان و اطرافیان را نیز به خطر می‌اندازد. در این میان یکی از اصلی‌ترین قربانیان این تصمیم والدین کودکان هستند (جرمی، ۲۰۱۵). طلاق هم‌چنین در بسیاری از موارد مشکل‌های اقتصادی، اجتماعی و روانی به همراه دارد. چنین تغییراتی باعث می‌شود کودکان احساس خشم، گناه، ناراحتی، ترس و مشکلات انطباقی را تجربه کنند (بریور، ۲۰۱۰). در سال‌های اخیر این معضل اجتماعی در کشور ما روند رو به رشدی داشته است؛ ایران رتبه چهارم طلاق را در جهان به خود اختصاص داده است که زنگ خطری برای جامعه و خانواده‌ها محسوب می‌شود (رنجبر، ۱۳۹۳). مشکلاتی از قبیل کاهش کیفیت ارتباطات، کاهش نظم و ثبات، و تضاد بین اعضای خانواده در خانواده‌های طلاق به وفور دیده می‌شود (سیه و شک، ۲۰۰۸). به‌طور کلی می‌توان گفت این پدیده یک رویداد پیچیده است و باعث دگرگونی‌های عمده‌ای در مسیر زندگی می‌شود و اثرات شخصی و اجتماعی کوتاه‌مدت و بلندمدت زیادی دارد. این مساله الگوهای رابطه‌ای جدیدی را می‌طلبد (آماتو، ۲۰۰۰؛ هترینگتون و

1. divorce
2. adjustment

کلی، ۲۰۰۲). پژوهش‌های متعددی نشان داده‌اند که مشکلات زناشویی والدین بر فرزندان و کیفیت روابط آنها تاثیر می‌گذارد و بین تعارضات زناشویی و مشکلات رفتاری کودکان رابطه مثبت وجود دارد (استوزمن، بین، میلر، دی، فینوئز و همکاران^۳، ۲۰۱۱؛ به نقل از بشارت، دهقانی و تولائیان، ۱۳۹۳). در همین راستا مشکلات درونی‌سازی^۴ و برونی‌سازی^۵ شده کودکان طلاق نیز قابل بررسی است. مطالعات نشان داده‌اند که کودکان طلاق مشکلات درونی‌سازی و برونی‌سازی شده بیشتری نسبت به سایر کودکان دارند (استکول، ۲۰۱۱).

رویکرد تجربی که اندیشه اصلی آن طبقه‌بندی اختلالات روی پیوستارهای مختلف با استفاده از شیوه آماری است، سنجش اختلالات دوران کودکی و نوجوانی را در دو طبقه اختلالات درونی شده و برونی شده طبقه‌بندی می‌کند (لوف، شکری و قنبری، ۱۳۹۳). در گستره روانشناسی مرضی تحولی، مشکلات برونی‌سازی شده از شایع‌ترین علل مراجعه کودکان و نوجوانان به کلینیک‌های سلامت روانی به شمار می‌روند (لیستاگلوند، بردمیر و تایان، ۲۰۰۵). اختلال‌های برونی‌سازی شده دربرگیرنده مشکلاتی هستند که رو به بیرون دارند و در تعارض با دیگر افراد و محیط قرار می‌گیرند؛ به بیان دیگر الگوهای رفتاری سازش نیافته‌ای هستند که در تعارض با دیگر افراد و انتظاراتشان قرار می‌گیرند (آشنباخ و رسکورلا، ۲۰۰۵). این اختلال‌ها از مقاوم‌ترین اختلال‌های دوران کودکی هستند و به عنوان محور مشکلات رفتاری کودکان شناخته شده‌اند. اختلالات برونی‌سازی شده شامل رفتارهای قانون‌شکنانه^۶ و پرخاشگرانه‌ای^۷ هستند که شامل اختلال کاستی توجه/بیش‌فعالی^۸، اختلال سلوک^۹ و اختلال نافرمانی مقابله‌ای^{۱۰} هستند (خانجانی و هداوند خانی، ۱۳۹۱). این گروه از مشکلات که در پژوهش‌ها با عناوینی مانند مشکلات رفتاری، انضباطی، رفتارهای اغتشاش‌آمیز^{۱۱}،

3. Stutzman, S. V., Bean, R. A., Miller, R. B., Day, R. D., Feinauer, L. L., et al.

4. internalizing problems

5. externalizing problems

6. outlaw behavior

7. aggressive behavior

8. attention deficit/hyperactivity disorder (ADHD)

9. conduct disorder

10. obedient defensive disorder (ODD)

11. disruptive behavior

داده‌اند که درصد بالایی از اختلال‌های برونی‌سازی شده در کودکان در بزرگسالی به اختلال شخصیت ضداجتماعی، سوءمصرف مواد و سایر و اعمال مجرمانه منتهی می‌شوند (ویکس-نلسون و اسرائیل، ۲۰۰۳). به عبارتی پیش‌آگهی این اختلالات نامطلوب است و کودکان مبتلا در سال‌های آینده در معرض خطر مشکلات دیگری مثل اختلالات یادگیری، خلقی، اضطراب، سوءمصرف الکل، اختلال شخصیت ضداجتماعی و ناسازگاری‌های مربوط به زندگی زناشویی و شغلی هستند (جلالی، پوراحمدی، باباپور خیرالدین و شعیری، ۱۳۸۸).

درمقابل، مشخصه اصلی اختلال‌های درونی‌سازی شده، رفتارهای بیش از حد مهارشده‌ای^۲ است که معطوف به درون^۳ هستند (آشنباخ و رسکورلا، ۲۰۰۱). نشانه‌های درونی‌سازی شده شامل سکوت زیاد، اضطراب، افسردگی، بازداری^۴، ناامیدی، کناره‌گیری^۵، انزوای اجتماعی و شکایات جسمانی هستند (مارچانت، سولانو، فیشر، کالداریلا، یانگ و همکاران، ۲۰۰۷). به عبارتی، مشکلات درونی‌سازی شده شامل نوعی آشفتگی اصلی در هیجان‌ها و خلیات است. نشانه‌شناسی این اختلالات غالباً دربرگیرنده احساس‌های حقارت، خودآگاهی زیاد، کناره‌گیری اجتماعی، کمرویی، ترس، دلبستگی بیش از حد، غم و اندوه مزمن است (روزنهان و سلیگمن، ۱۹۹۷). مشکلات درونی‌سازی شده بر این اساس از مشکلات برونی‌سازی شده مجزا می‌شوند که این مشکلات بیشتر منعکس‌کننده آشفتگی و رنج شخصی کودک هستند نه تعارض کودک با محیط پیرامونش. افراد مبتلا به مشکلات درونی‌سازی شده سعی می‌کنند سطح بالایی از مهارگری افراطی و سازش نیافته را درباره فرایندهای فکری، رفتاری و هیجانی خود اعمال کنند، درحالی‌که افراد مبتلا به مشکلات برونی‌سازی شده، به عکس راهبردهای لازم در جهت خودنظم‌دهی و مهار رفتارها، عواطف و شناخت‌هایشان ندارند (مرادی مطلق، عابدین و حیدری، ۱۳۸۸). مشکلات درونی‌سازی شده تاثیر منفی بر حرمت خود^۶، عملکرد تحصیلی، سلامت جسمانی، کارایی اجتماعی و سازش یافتگی روانشناختی

بزهکاری و همانند آن مشخص می‌شوند، طیف وسیعی از مشکلات را دربرمی‌گیرند و می‌توانند آثار مخربی بر کودک، خانواده، معلمان، همسالان و سایر اطرافیان داشته باشند (مقان، کریستینسن، جنسون، اولیمپیا و کلارک، ۲۰۰۵). مشکلات برونی‌سازی شده، مزمن و فراگیر هستند و جدی‌ترین آسیب را بر روابط والد-کودک وارد می‌کنند و استرس بین والدین و هم‌چنین خطر پیامدهای آسیب‌زا را در زندگی آتی کودک افزایش می‌دهند (سید موسوی، نادعلی و قنبری، ۱۳۸۷). نشانه‌های این دسته از اختلال‌ها برخلاف رفتارهای درونی‌سازی شده، در رفتار برونی‌کودکان ظاهر می‌شوند و نمایانگر عمل منفی کودک بر محیط بیرونی هستند، از این رو بیش از آن‌که بر خود فرد اثر بگذارند موجب ایجاد مشکل برای دیگران خواهند شد (دادستان، بیات و عسگری، ۱۳۸۸). مشکلات رفتاری کودک ناشی از ضعف مهارگری^۱ اوست و شامل دو نشانگان رفتاری نادیده گرفتن قواعد و رفتار پرخاشگرانه است (مهکام و دادستان، ۱۳۸۸). بارزترین نشانه‌های برونی‌سازی شده را می‌توان خصومت، پرخاشگری، نافرمانی و تضادورزی، بیش‌فعالی و برانگیختگی، انحراف از هنجارهای اجتماعی، تخریب اموال و آسیب زدن به دیگران دانست که مشخصه تمامی آنها بی‌نظمی رفتار است (اولاند، ۲۰۰۲). نشانه‌های برونی‌سازی شده، به‌طورکلی، پایداری قابل توجهی طی زمان نشان می‌دهند و طی فرایند تحول به شکل‌های مختلف بروز می‌کنند. اشکال زودرس نشانه‌های برونی‌سازی شده که از دومین سال زندگی قابل مشاهده‌اند به‌صورت بی‌قراری، بدقلقی، گریه زیاد و لجبازی ظاهر می‌شوند (گیلیوم و شاه، ۲۰۰۴). در سال‌های بعد پرخاشگری جسمانی، تضادورزی و نخستین شکل‌های نقض قوانین در خانه و محیط آموزشی در صدر جدول نشانه‌شناسی قرار می‌گیرند و در نوجوانی، پرخاشگری کلامی، اشکال پنهان‌تر پرخاشگری مانند سرقت و سوءمصرف مواد و رفتارهای ضداجتماعی جدی که می‌توانند در تضاد آشکار با قوانین جامعه قرار گیرند و نوجوان را به سمت بزهکاری سوق دهند غلبه می‌یابند (لیو، ۲۰۰۴). بنابراین هرچند الگوهای رفتار برونی‌سازی شده طی زمان پایدار هستند، اما مولفه‌های این الگوهای رفتاری دستخوش تغییرات قابل پیش‌بینی می‌شوند (دادستان و همکاران، ۱۳۸۸). پژوهش‌های مختلف نیز نشان

2. over-controlled
3. inner-directed
4. inhibition
5. withdrawal
6. self-esteem

1. controlling

رفتارهای مخرب بسیار بیشتر از گزارش مشکلات درونی سازی شده کودک توسط والدین و اطرافیان است (زنگ، ۲۰۰۷). با توجه به این مساله ممکن است بسیاری از مشکلات درونی‌شده کودکان توسط والدین یا مراقبان آنها مشکل‌زا و بااهمیت تلقی نشود و به همین دلیل برخی از والدین در پژوهش حاضر اطلاعات درستی در مورد نشانگان درونی‌سازی شده کودک ارایه نکرده باشند.

از آنجایی که طلاق والدین با بروز مشکلات رفتاری و سازگاری در کودکان و در کل سیستم خانواده همراه است، طراحی و اجرای برنامه‌های مداخله‌ای و مقابله‌ای گروهی که بتواند مشکلات مرتبط با طلاق را برای خانواده‌ها کاهش دهد و یا تاب‌آوری آنها را در برابر این مشکلات افزایش دهد ضروری به نظر می‌رسد. برنامه مداخله‌ای مذکور برای اولین بار در کشور اجرا شده است و با توجه به حساسیت موضوع طلاق در کودکان، پیشنهاد می‌شود پژوهشگران دیگر به‌طور گسترده‌تر و در ابعاد دیگری این برنامه را اجرا کنند تا علاوه بر کاربرد نتایج آن در سطح عملی، در سطح نظری نیز یافته‌ها در اختیار سایر پژوهشگران قرار گیرد و راهگشای پژوهش‌های آتی باشد. یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر طرح مقطعی آن بود که تاثیرات مثبت این برنامه مداخله‌ای را روی کودکان طلاق، تنها طی یک دوره چندماهه مورد بررسی قرار داد؛ بر این اساس انجام مطالعات طولی جهت آگاهی از پایداری تاثیرات مداخله مذکور توصیه می‌شود. هم‌چنین پیشنهاد می‌شود پژوهشگران آتی، اثربخشی این مداخله را در گروه‌های سنی مختلف و با در نظر گرفتن عواملی چون مواجهه کودکان با تعارضات والدین، مدت زمان جدایی، ازدواج مجدد والدین و سایر تحولات چرخه زندگی، در قالب تحقیقات طولی مورد بررسی قرار دهند. مطلوب است در صورت وجود امکانات و زمان کافی، هم‌زمان با اجرای این برنامه، به‌صورت گروهی جلساتی برای مشاوره، توجیه، اطلاع‌رسانی و آموزش والدین و سرپرستان کودکان طلاق برگزار شود تا علاوه بر افزایش سطح اطلاعات خانواده، زمینه همکاری بیشتر آنان با پژوهشگران فراهم شود.

بدرپرست اشاره کرد که نشان دادند مشکلات درونی‌سازی شده نظیر گوشه‌گیری و انزوای اجتماعی، کمرویی، اضطراب یا افسردگی و شکایت‌های جسمانی معمولاً ریشه در دوران کودکی فرد و تأمین‌نیافتگی او و حکایت از یک آشفتگی و بی‌ثباتی در توانایی‌های شناختی کودک دارند؛ لذا از آنجا که غالباً هیجان‌ها و خلق حاصل از زمینه‌های شناختی ضعیف مثل خودکم‌بینی، دل‌بستگی ناپایمن، خودکارآمدی ناکافی و نظایر آن، درونی شده‌اند به سختی انتظار می‌رود که یک مداخله موقت و مقطعی بتواند این مشکلات درونی‌سازی شده را در کودکانی که سال‌ها در معرض تعارضات خانوادگی بوده‌اند، به‌طور معنادار کاهش دهد. هم‌چنین می‌توان در تبیین دیگر این مساله این‌گونه بیان کرد که تحول مشکلات درونی‌سازی شده از قبیل اضطراب، افسردگی، خشم معطوف به درون، احساس گناه و حرمت خود پایین که همگی در کودکان طلاق به‌وفور دیده می‌شود (بوسا و وایلد، ۲۰۱۳)، با تجارب و ادراکات آنها از جو خانواده و ارتباطات نظام فرعی والدین و فرزندان ارتباط دارد و در این میان پیوند عاطفی مناسب بین والدین حایز اهمیت است و باعث پرورش کودکانی با سلامت روانی بالا می‌شود (داهل، هسن و ویگنز، ۲۰۱۵؛ فلمینگ، شپارد، منگان، تیلور، تالاریگو و همکاران، ۲۰۰۶). از آنجایی که این برنامه تنها برای کودکان طلاق اجرا شد و اهداف آن آموزش مهارت‌های لازم مقابله‌ای و حمایت اجتماعی به شخص کودک بود و طراحی مداخلاتی با هدف کاهش مناقشات خانوادگی یا تغییر فضای عاطفی خانواده در برنامه مدنظر نبود، لذا قابل انتظار است که به علت پایدار ماندن چنین روابط و فضای خانوادگی آشفته‌ای، مشکلات ناشی از آن هم پایدار بماند. از سوی دیگر همان‌طور که مطرح شد مشکلات درونی‌سازی شده، مشکلات معطوف به خود هستند که غالباً رنج شخصی به همراه دارند و در مقابل، مشکلات برونی‌سازی شده با ایجاد مشکل در روابط با دیگران و تزاخم با حقوق دیگران شناخته می‌شود (والکر و رابرت، ۲۰۰۱). به همین دلیل میزان مراجعه والدین به مراکز مشاوره به علت مشکلات برونی‌سازی شده و گزارش

- problems from age 2 to age 12: Findings from the NICHD study of early child care.* A dissertation submitted in partial fulfillment of the requirements for PhD degree, Georgia State University.
- Fleming, D. A., Sheppard, V. B., Mangan, P. A., Taylor, K. L., Tallarico, M., Adams, I., et al. (2006). Caregiving at the end of life: Perceptions of health care quality and quality of life among patients and caregivers. *Journal of Pain Symptom Management, 31*, 407-420.
- Gilliom, M., & Shaw, D. S. (2004). Co-development of externalizing and internalizing problems in early childhood. *Developmental Psychopathology, 16*, 313-334.
- Gilman, J., Schneider, D., & Shulak, R. (2005). Children's ability to cope post-divorce: The effects of Kids' Turn Intervention Program on 7 to 9 year olds. *Journal of Divorce & Remarriage, 42*, 109-126.
- Halligan, C., Chang, I. J., & Knox, D. (2014). Positive effects of parental divorce on undergraduates. *Journal of Divorce & Remarriage, 55*, 557-567.
- Hetherington, E. M., & Kelly, J. (2002). *For better or worse.* New York: Norton.
- Hsieh, M. O., & Shek, T. D. L. (2008). Personal and family correlates of resilience among adolescents living in single-parent households in Taiwan. *Journal of Divorce & Remarriage, 49*, 330-348.
- Jeremy, A. (2015). The temporal effects of divorces and separations on children's academic achievement and problem behavior. *Journal of Divorce and Remarriage, 56*, 25-42.
- Laumann, G. M. (2002). *The impact of a school-based intervention program on the divorce adjustment of latency-aged children: An evaluation of the Rainbows Program.* Unpublished doctoral dissertation. United State, Illinois: University of Illinois at Urbana-Champaign.
- Listug-lunde, L., Bredmeier, K., & Tyan, W. D. (2005). Concurrent parent and child group outcomes for child externalizing disorders. *International Journal of Behavioral Consultation and Therapy, 1*, 124-130
- Liu, J. (2004). Childhood externalizing behavior: Theory and implications. *Journal of Child and Adolescence Psychiatry and Nurse, 17*, 93-100.
- Loucks Greenwood, J. (2014). Effects of a mid-to late-life parental divorce on adult children. *Journal of Divorce & Remarriage, 55*, 539-556.
- Marchant, M. R., Solano, B. R., Fisher, A. K., Caldarella, P., Young, K. R., & Renshaw, T. L. (2007). Modifying socially withdrawn behavior: A playground intervention for students with internalizing behaviors. *Psychology in the Schools, 44*, 779-794.
- Maughan, D. R., Christiansen, E., Jenson, W. R., Olympia, D., & Clark, E. (2005). Behavioral parent training as a treatment for externalizing behaviors and disruptive behavior disorders: A meta-analysis. *School Psychological Review, 34*, 67-86.
- Mesman, J., Bongers, I. L., & Koot, H. M. (2001). Preschool developmental pathways to preadolescent internalizing and externalizing problems. *Journal of Child Psychology & Psychiatry & Allied Disciplines, 42*, 679-689.
- Oland, A. (2002). *The development of pure co-occurring externalizing and internalizing symptomatology in children [dissertation].* Pittsburg: University of Pittsburg.
- Overbeek, M. M., De Schipper, J. C., Willemsen, A. M., Lamers-Winkelmann, F., & Schuengel, C. (2015). Mediators and treatment factors in intervention for children exposed to interparental violence. *Journal of Clinical Child & Adolescent Psychology, 44*, 1-17.
- Pedro-Carroll, J. (2005). Fostering resilience in the aftermath of divorce: The role of evidence based programs for children. *Family Court Review, 43*, 52-64.
- Pedro-Carroll, J. L. (2011). How parents can help children cope with separation/divorce. *Encyclopedia on Early Childhood Development*, available in <http://www.child-encyclopedia.com>
- Pedro-Carroll, J. L., & Alpert-Gillis, L. J. (1997). Preventive interventions for children of divorce: A developmental model for 5 and 6 year old children. *Journal of Primary Prevention, 18*, 5-23.
- Pedro-Carroll, J. L., & Cowen, E. L. (1985). The children of divorce intervention program: An investigation of the efficacy of a school-based prevention program. *Journal of Consulting and Clinical Psychology, 53*, 603-611.
- Pedro-Carroll, J. L., Alpert-Gillis, L., & Cowen, E. L. (1989). The children of divorce intervention program: Development,

- implementation, and evaluation of a program for young urban children. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 57, 583-584.
- Pedro-Carroll, J. L., Cowen, E. L., Hightower, A. D., & Guare, J. C. (1986). Preventive intervention with latency aged children of divorce: A replication study. *American Journal of Community Psychology*, 14, 277-290.
- Pedro-Carroll, J. L., Sutton, S. E., & Wyman, P. A. (1999). A two-year follow-up evaluation of a preventive intervention program for young children of divorce. *School Psychology Review*, 28, 467-476.
- Quinney, D. M., & Fouts, G. T. (2003). Resilience and divorce adjustment in adults participating in Divorce Recovery Workshops. *Journal of Divorce and Remarriage*, 40, 55-68.
- Roelofs, J., Meesters, C., Huurne, M. T., Bamelis, L., & Muris, P. (2006). On the links between attachment style, parental rearing behaviors and internalizing and externalizing problems in non-clinical children. *Journal of Child & Family Studies*, 15, 331-334.
- Rosenhan, D. L., & Seligman, M. E. P. (1997). *Abnormal psychology*, 3rd Ed. New York: Norton & Company.
- Shen, A.C.T. (2009). Long-term effects of inter-parental violence and child physical maltreatment experiences on PTSD and behavior problems: A national survey of Taiwanese college students. *Child Abuse & Neglect*, 33, 148-160.
- Smedler, A. C., Hjern, A., Wiklund, S., Anttila, S., & Pettersson, A. (2015). Programs for prevention of externalizing problems in children: Limited evidence for effect beyond 6 months post intervention. *Child & Youth Care Forum*, 44, 251-276.
- Stekoll, A. (2011). *Bibliotherapy: A proposed treatment for children coping with divorce*. A dissertation presented for the degree of Doctor of Psychology. California: Palo Alto University.
- Strauch, G. L. (1991). *Ethnicity and treatment schedule: A study of the children of divorce intervention program*. A Dissertation Presented to the Faculty of the Graduate School of Psychology. Fuller Theological Seminary.
- Velez, C. E., Wolchik, S. A., & Sandler, I. N. (2011). Interventions to help parents and children through separation and divorce. *Divorce & Separation*, 14, 1-11.
- Walker, C. E., & Roberts, M. C. (2001). *Handbook of Clinical Child Psychology*. Third Edition. NY: John Wiley & Sons, Inc.
- Weaver, J. M., & Schofield, T. J. (2015). Mediation and moderation of divorce effects on children's behavior Problems. *Journal of Family Psychology*, 29, 39-48.
- Wicks-Nelson, R., & Israel, A. C. (2003). *Behavior disorders of childhood*, 5th Ed. New Jersey: Pearson Education.
- Wolchik, S. A., Sandler, I. N., Millsap, R. E., Plummer, B. A., Greene, S. M., & Anderson, E. R. (2006). Six year follow-up of preventive interventions for children of divorce: A randomized controlled trial. *Journal of the American Medical Association*, 288, 1874-1881.
- Wolchik, S. A., Schenck, C. E., & Sandler, I. N. (2009). Promoting resilience in youth from divorced families: Lessons learned from experimental trials of the New Beginnings Program. *Journal of Personality*, 77, 1833-1868.
- Youngstrom, E., & Youngstrom, J. K. (2005). Bipolar diagnoses in community mental health: Achenbach child behavior checklist profiles and patterns of comorbidity. *Biological Psychiatry*, 58, 596-575.
- Zing, G. (2007). *An exploratory investigation of the internalizing problem behavior among children from kindergarten to third grade*. A dissertation presented in partial fulfillment of the requirements for PhD degree, University of Pennsylvania.